

## راه کارهای مقاومت منفی در ارتباط با بیگانگان از دیدگاه آیات و روایات

علی اسدی\*

تأیید: ۱۴۰۰/۴/۷

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۸

### چکیده

اسلام برای حفظ فرهنگ دینی و هویت جامعه اسلامی، دو راهبرد ایجابی و سلبی (تولّی و تبرّی) را طراحی کرده است. هدف راهبرد نخست، همبستگی اجتماعی و مقاوم سازی فرهنگ اسلامی از درون و هدف راهبرد دوم حفظ موجودیت و استقلال آن در برابر عوامل تهدیدکننده بیرونی است. راهبرد سلبی، با راه کارهای مثبت و منفی مختلفی عملیاتی می شود و اغلب راه کارهای منفی آن مبتنی بر مقاومت منفی است. هدف پژوهش تبیین راه کارهای مقاومت منفی و دخالت دادن آن در سیاست گذاری های جامعه اسلامی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد.

راه کارهای مقاومت منفی از گونه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی تشکیل می شود. از جمله مهم ترین نمونه های آن عبارتند از: تحریم رسانه ها و فرآورده های فرهنگی ضد دینی و غیر اخلاقی، تحریم تشابه فرهنگی و الگوپذیری از بیگانگان و نفی نمادهای فرهنگی آن ها، مهاجرت فرهنگی، پایداری تا پای جان، حکم به نجاست بست پرستان، تحریم ازدواج با مشرکان، عدم تکریم اجتماعی، ایجاد محدودیت های اجتماعی و تحریم سلطه اجتماعی بیگانگان، تحریم وابستگی به بیگانگان و جاسوسی برای آن ها، تحریم روابط تجاری و نظامی تقویت کننده دشمن.

### واژگان کلیدی

راهبرد مقاومت منفی، راه کار مقاومت، مقاومت منفی، تولی و تبری

\* دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: a.asadi8431@gmail.com



## مقدمه

از نظر اسلام، هدف آفرینش انسان رسیدن به کمال مطلوب (قرب الهی) و راه آن، زندگی بر اساس باورها و ارزش‌های توحیدی است. برای همین، اسلام می‌خواهد با مهندسی فرهنگ و جامعه، بر اساس آموزه‌های توحیدی، زمینه لازم را برای تربیت و رشد چنین انسانی فراهم آورد. موجودیت، هویت و استقلال هر جامعه و فرهنگی، همواره به وسیله عوامل مختلف درونی و بیرونی در معرض تهدید، تضعیف، آسیب، دگرگونی و نابودی است. در این میان، نفوذ، اثرگذاری و سلطه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان و عناصر فرهنگی ناسازگار با فرهنگ و جامعه میزبان، از عوامل مهم بیرونی است. برای همین آموزه‌های اسلامی بر حفظ موجودیت و استقلال مسلمانان در حوزه‌های مختلف و پیش‌گیری از هرگونه نفوذ، سلطه، اثرگذاری و چیرگی بیگانگان بر آن تأکید می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا اسلام برای تحقق چنین هدفی و حفظ هویت فرهنگی جامعه اسلامی در برابر بیگانگان از مقاومت منفی استفاده کرده است؟ راه‌کارهای آن کدام است؟ پژوهش پیش رو می‌خواهد به پاسخ این پرسش بپردازد.

اسلام برای حفظ، استقلال و پایداری فرهنگ و جامعه دینی، دو راهبرد ایجابی و سلبی کلان و دائمی با راه‌کارهای فراگیر را طراحی کرده است. از یک سو با راهبرد ایجابی «توئی»، در صدد ایجاد هم‌گرایی داخلی، هم‌بستگی اجتماعی، یگانگی، مقاوم‌سازی و مصونیت فرهنگ و جامعه اسلامی از درون است و از سوی دیگر، با راهبرد سلبی «تبری»، در صدد ایجاد واگرایی با بیگانگان، تحریم بیگانگان، ایجاد مرزهای اجتماعی و فرهنگی، پیش‌گیری از نفوذ، اثرگذاری و سلطه بیگانگان و صیانت از فرهنگ و جامعه اسلامی در برابر عوامل تهدیدکننده بیرونی است. راهبرد تبری و واگرایانه و راه‌کارهای مختلف آن، اغلب بر مقاومت و مبارزه منفی استوار است.

به رغم جست‌وجو در باره راه‌کارهای مقاومت منفی در ارتباط با بیگانگان از

دیدگاه آیات و روایات، هیچ پژوهشی با این عنوان و یا محتوای آن یافت نشد. هدف پژوهش، تبیین رویکرد سلبی در مقاومت و مبارزه و راهکارهای آن است که به رغم تأثیر زیاد و پایدار آن در صیانت از جامعه و فرهنگ اسلامی و شکست دشمن، مسلمانان به ویژه سیاستمداران، اندیش‌مندان و پژوهش‌گران مسلمان از آن غافلند.

شناساندن راهکارهای مقاومت منفی، اهمیت و لزوم سیاست‌گذاری بر اساس آن در حوزه‌های مختلف ارتباط با بیگانگان، اهمیت و ضرورت چنین پژوهشی را می‌رساند. به ویژه این که در شرایط کنونی دنیا، فرهنگ و جوامع اسلامی به شدت در معرض اثرپذیری از بیگانگان و دگرگونی است. در این پژوهش از روش اسنادی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و تحلیل نظری مجموعه آموزه‌های مرتبط استفاده شده است.

### مفهوم‌شناسی

**الف) راهبرد: راهبرد، معادل «استراتژی» (Strategy) و در اصل یک مفهوم نظامی است، اما در حوزه‌های دیگر؛ مانند اقتصاد، تجارت، مدیریت، سیاست و فرهنگ نیز به کار می‌رود. قطع نظر از اختلافات، راهبرد را می‌توان به معنای سیاست، برنامه یا یک طرح کلان به منظور سازماندهی و مدیریت اقدامات گوناگون برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت با توجه به تغییرات محیطی و شکل‌دادن به آینده و کنترل آن دانست. یک راهبرد خوب، باید دربردارنده تعریف هدف بلندمدت، راهکارهای رسیدن به آن، چگونگی به کارگیری ظرفیت‌های گوناگون و پیش‌بینی منابع لازم باشد. طراحی و مدیریت راهبردی، نیازمند ذهنیتی پویا، آینده‌نگر، جامع‌نگر و اقتضایی و مدیریتی راهبردی در مقایسه با سطوح دیگر مدیریت (عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی)، عالی‌ترین سطح مدیریت است (گروه مؤلفان، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴؛ انوری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶۸؛ آرمسترانگ، ۱۳۹۰، ص ۳۷ و کاوه‌محمد و صبورطینت، ۱۳۹۰، ص ۴۰).**

ب) راه‌کار: واژه راه‌کار، ترکیبی از راه و کار، معادل واژه فرانسوی مکانیزم (Mekanizam) و به معنای راه و شیوه حل مسائل است (انوری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶۸). واژه تاکتیک هم اغلب در کنار راهبرد به کار می‌رود و در فارسی به معنای راه‌کار، ترفند، شیوه و تدبیر است و به روش‌هایی گفته می‌شود که راهبرد به وسیله آن اجرا و عملیاتی می‌شود. بنابراین، راه‌کار و تاکتیک، جزئی از راهبرد و در خدمت آن است و بر خلاف راهبرد که در درازمدت قابل تحقق و دارای گستره بیش‌تری است، در کوتاه‌مدت محقق می‌شود و گستره محدودتری دارد (برادران شرکا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸).

ج) مقاومت: مقاومت، اسم مصدر، از ریشه «ق. و. م» و به معنای ایستادگی، پایداری و پافشاری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳۰۲). مفهوم مقاومت، اختصاص به رویارویی نظامی ندارد و یکی از مفاهیم رایج در علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی است که متأثر از مصادیق و روی‌کردهای مختلف، تعاریف و تبیین‌های گوناگونی یافته است. مقاومت به مفهوم جامعه‌شناختی آن را می‌توان رفتار آگاهانه یک فرد، گروه، سازمان، جامعه یا حکومت در برابر فرد، گروه، سازمان، جامعه، حکومت یا فرهنگ مخالف و معارض تعریف کرد که با هدف حفظ موجودیت، هویت، استقلال یا هرگونه حقوق و منافع مشروع و دفاع از آن و به زانو درآوردن طرف مقابل انجام می‌گیرد. کنش‌های مقاومت‌آمیز با توجه به تعداد کنش‌گران می‌توانند به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم شوند (کیانی و میرقادری، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۷۰ و صادقی، ۲۰۰۴، ص ۷۰).

د) مقاومت منفی: مقاومت، با توجه به ایجابی یا سلبی بودن کنش‌ها و واکنش‌های مقاومت‌آمیز، به مقاومت مثبت و منفی تقسیم می‌شود. مقاومت مثبت با انجام کنش‌ها و واکنش‌های تهاجمی و تدافعی و اغلب خشونت‌بار پدید می‌آید. مانند دفاع در برابر تهاجم دشمن و حمله تلافی‌جویانه و بازدارنده به مواضع آن یا درگیری‌ها و شورش‌های اجتماعی و اعتراضات خیابانی، اما مقاومت منفی بر کنش‌ها و واکنش‌های واگرایانه، تحریمی و محدودکننده و پرهیز از برخوردهای مستقیم، فیزیکی و خشونت‌بار استوار است. مانند تحریم ازدواج، کالاهای رسانه‌ها یا روابط اجتماعی،

سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی با مخالفان و دشمنان. مقاومت منفی که نوعی «مبارزه مسالمت‌آمیز و بدون خشونت» است، به شرط سازماندهی خوب و پشتیبانی افکار عمومی به ویژه رسانه‌های همگانی، می‌تواند در رسیدن به هدف بسیار اثرگذار باشد (همان).

مبارزه و مقاومت منفی که مقاومت مدنی هم خوانده می‌شود، در مطالعات اجتماعی پدیده‌ای نسبتاً تازه است. مبتکر آن را نویسنده‌ای در آمریکای شمالی به نام دیوید ثرو هنری (David Thoreau Henry) دانسته‌اند. او در مخالفت با جنگ مکزیکی به دولت مالیات نداد. کارل مارکس در سال ۱۸۴۸ میلادی کوشید با استفاده از این روش، جنبشی در ندادن مالیات بر ضد دولت آلمان راه‌اندازی کند. مبارزات گاندی بر ضد استعمار انگلیس و دولت دست‌نشانده آن در هند، نمونه دیگری از مقاومت و مبارزه منفی است. او در سال ۱۹۳۰ میلادی با بسیج هزاران هندی برای جمع‌آوری نمک، تلاش کرد به دولت هند مالیات ندهند. وی هم‌چنین هندی‌ها را از فرستادن فرزندان‌شان به مدارس دولتی، مراجعه به دادگاه‌های دولتی، استخدام در ارتش و عمل کردن به دستورات دولت نهی کرد. گاندی سرانجام با این روش، توانست هندوستان را نجات داده و استقلال بخشد (گاندی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۱ و نهرو، ۱۳۵۰، ص ۸۸۰-۸۸۶). در سال ۱۹۵۵ میلادی نیز سیاه‌پوستان شهر مونتگمری آمریکا در اعتراض به قانون نژادپرستانه تفکیک‌صندلی‌های سیاه‌پوستان از سفیدپوستان، یک سال از سوارشدن به اتوبوس‌ها خودداری و پیاده رفت و آمد کردند. سرانجام، دادگاه عالی آمریکا با نقض قانون یادشده به این تبعیض نژادی پایان داد. جنبش تحریم تنباکو نیز نخستین مقاومت منفی در ایران بود که با حمایت شدید افکار عمومی به نقض قرارداد رژی انجامید (نهادنیان، ۱۳۵۸، ص ۶۶ و تیموری، ۱۳۶۱، ص ۸۰-۷۹).

مقاومت منفی، امروزه در قالب تحریم‌های گستره بین‌المللی، توسط قدرت‌های سلطه‌جو، علیه برخی کشورها؛ مانند کوبا، ایران و کره شمالی با هدف کنترل و تغییر رفتار و رژیم این کشورها انجام گرفته و حوزه وسیعی از قبیل تحریم شرکت‌ها،

شخصیت‌ها، خرید و فروش نفت، امور بانکی، روابط تجاری، صنایع دفاعی، انرژی هسته‌ای، حمل و نقل هوایی، دارو و جز آن‌ها را شامل می‌شود.

مقاومت منفی هر چند در مطالعات اجتماعی سابقه چندانی ندارد، اما پیشینه زیادی در تاریخ زندگی انسان‌ها از جمله تاریخ ادیان الهی دارد. دستور خداوند مبنی بر روی گردانی از سخره‌کنندگان آیات الهی و ترک مجلس آنان (انعام(۶): ۶۸)، تحریم سه نفر از ترک‌کنندگان جهاد (جنگ تبوک) توسط پیامبر و مسلمانان و قطع همه روابط با آن‌ها (توبه(۹): ۱۱۸) و نیز دستور پیشوایان شیعه مبنی بر هم‌کاری نکردن با حاکمان جور بنی امیه و بنی عباس، نبردن داوری نزد منصوبان آن‌ها (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۹۹) و مواردی مانند نهی صفوان جمال از کرایه دادن شتران به هارون الرشید توسط امام کاظم ۷ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۱۸۲)، نمونه‌هایی از مقاومت منفی در تاریخ اسلام است. چنان‌که محاصره پیامبر اکرم ۹ و مسلمانان به مدت سه سال در شعب ابی طالب و قطع همه روابط با آن‌ها از طرف مشرکان، نمونه برجسته دیگری است (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۲۱).

**ه) بیگانگان:** مراد از بیگانگان در این پژوهش، غیر مسلمانان به ویژه دشمنان اسلام و مسلمان‌ها هستند. از دیدگاه اسلام، غیر مسلمانان دو گروه عمده هستند: دسته نخست، کفار حربی؛ یعنی غیر مسلمانانی هستند که با اسلام و مسلمانان سر جنگ و دشمنی داشته و برای سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر جامعه اسلامی و نابودی اسلام و مسلمانان تلاش می‌کنند. اسلام شدیدترین مرزبندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را با این گروه دارد. دسته دوم، کفار غیر حربی؛ یعنی غیر مسلمانانی هستند که هیچ‌گونه دشمنی با اسلام و مسلمانان ندارند. اسلام ارتباط متقابل، داد و ستد، رعایت حقوق اجتماعی و نیکی کردن و عدالت‌پیشگی نسبت به آن‌ها را نهی نمی‌کند (ممتحنه(۶۰): ۹-۸). هر چند با آنان نیز به پاره‌ای مرزبندی‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته و مسلمانان را از داشتن برخی روابط با آن‌ها نهی می‌کند. در این پژوهش، بیگانگان، اغلب ناظر به دسته نخست می‌باشد.

## راهبرد مقاومت منفی

اسلام خود را دین جهانی دانسته و با فراخواندن بشر به سوی باورها، ارزش‌ها، ایدئولوژی و هنجارهای توحیدی، می‌خواهد که جامعه (امت واحده) و فرهنگ جهانی واحدی (توحیدی) تشکیل دهد (اعراف(۷): ۱۵۸؛ توبه(۹): ۳۳؛ سبأ(۳۴): ۲۸ و نور(۲۴): ۵۵)، اما از طرف دیگر واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع بشری را - هر چند که مورد تأیید نباشند - پذیرفته و پیروان خود را ناگزیر از زندگی در جامعه جهانی و ارتباط با بیگانگان می‌داند. از این‌رو، به چاره‌اندیشی و مهندسی فرهنگی پرداخته است تا از یک سو، مسلمانان بتوانند ضمن مقاومت در برابر سلطه و نفوذ جوامع و فرهنگ‌های بیگانه، موجودیت و هویت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کنند و از سوی دیگر، با اصلاح جوامع و فرهنگ‌ها، زمینه «توحیدی» شدن آن‌ها را فراهم آورند. برای همین، ضمن به رسمیت شناختن مرزهای جغرافیایی و قراردادی در روابط بین الملل، اساس تفکیک بین فرهنگ‌ها و جوامع بشری را «جهان‌بینی» توحیدی و غیر توحیدی دانسته و نظر به حاکمیت اسلامی و غیر اسلامی، کشورها را به «دارالکفر» و «دارالاسلام» تقسیم می‌کند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۷۳).

پس از تفکیک جوامع و فرهنگ‌ها بر اساس جهان‌بینی توحیدی، با دو راهبرد «تولی» و «تبری»، خطوط کلی و سیاست کلان مربوط به ارتباط مسلمانان با هم‌دیگر و بیگانگان را ترسیم کرده است. از منظر اسلام، حیات و تکامل حقیقی انسان در گرو حیات فکری و فرهنگی اوست. از این‌رو، از یک سو و برای حفظ حیات و هویت فرهنگی و اجتماعی مؤمنان و پایداری در این راه، بر فعال‌کردن جاذبه و دافعه آنان و نفی بی تفاوتی نسبت به فرهنگ‌ها و جوامع جاهلی (غیر توحیدی) تأکید می‌ورزد و از سوی دیگر، با نفی عصبیت‌های خونی (خانوادگی و قبیله‌ای)، جغرافیایی، نژادی (رنگ و زبان)، صنفی و حتی انتساب اسمی به ادیان آسمانی و جاهلی خواندن آن‌ها، با دو اصل «تولی و تبری»، جاذبه و دافعه اجتماعی و فرهنگی مسلمانان را در جهت فطری و الهی هدایت می‌کند. این دو راهبرد، از اصول عملی اسلام و به عنوان دو سیاست کلان



و راهبردی، تطبیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی اصل توحید و شعار اساسی آن (لا اله الا الله) می‌باشد که از یک سو، با نفی خدایان دروغین (لا اله)، انسان‌ها را از بندگی آن‌ها نهی کرده بر باورها و ارزش‌های غیر توحیدی خط بطلان می‌کشد و از سوی دیگر، با اثبات خدای یگانه (الله) و دعوت انسان به بندگی او، جهان‌بینی و ارزش‌های توحیدی را فراروی بشر قرار می‌دهد.

اسلام با دو راهبرد توکی و تبری بر آن است که توحید را در تمام اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فردی، اجتماعی و عبادی انسان ساری و جاری ساخته و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای غیر توحیدی را از صحنه زندگی او حذف کند. برای همین، از یک سو پیروان خود را به جانب‌داری از فرهنگ توحیدی و هم‌گرایی با مؤمنان صالح و جوامع دینی، به عنوان تجسمی از آن فرهنگ فرا می‌خواند تا از این طریق، جامعه‌ای بر اساس فرهنگ و نظام اجتماعی و سیاسی برخاسته از توحید بنا کرده و با ایجاد هم‌بستگی شدید روحی، فرهنگی و اجتماعی بین اعضای آن و رهبران فکری و اجتماعی‌اش، هویت فرهنگی و اجتماعی آن را حفظ و با مقاوم‌سازی درونی، از هضم شدن آن در فرآیند تحولات تاریخی و اجتماعی جلوگیری نماید و از سوی دیگر، مؤمنان را به بیزاری‌جستن از فرهنگ جاهلی و کفار و مشرکان که تجسمی از آن فرهنگ جاهلی و غیر توحیدی هستند، به مقاومت در برابر آنان دعوت می‌کند تا از نفوذ فرهنگ بیگانه در جامعه اسلامی، تسلط و اثرگذاری بیگانگان بر آن و نابودی فرهنگ و جامعه توحیدی پیش‌گیری کند.

راهبرد تبری که یک سیاست و استراتژی واگرایانه و دائمی نسبت به بیگانگان است، اغلب بر مقاومت منفی استوار است و به تحریم روابط مسلمانان با دشمنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و ایجاد پاره‌ای محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها برای آنان می‌پردازد. این راهبرد، اغلب ناظر به رفتارهای عاری از خشونت و برخوردهای غیر مستقیم و غیر فیزیکی است و اختصاص به زمان جنگ هم ندارد.

نکته قابل توجه این که اساس تبری و راهبرد واگرایانه اسلام، بیزاری و برائت قلبی،

زبانی و عملی از باورها، ارزش‌ها، ایدئولوژی، هنجارها و نمادهای غیر توحیدی و مقاومت در برابر نفوذ، تسلط و اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم آنهاست، اما چون این عناصر در افراد، گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی - سیاسی، تجسم می‌یابند، اسلام پیروان خود را به واگرایی نسبت به آنها و مقاومت در برابر آنان نیز فرا می‌خواند. از این افراد و گروه‌ها، در کتاب و سنت با عناوین گوناگونی یاد شده است که برخی کلی بوده و توسط برخی دیگر از عناوین جزئی، معنا و مصداق می‌یابند. از جمله می‌توان به عناوینی هم‌چون طاغوت (نحل: ۱۶): ۳۶، شیطان (یس: ۳۶): ۶۰، دشمنان خدا (ممتحنه: ۶۰): ۱، کفار و مشرکان (توبه: ۹): ۳، یهود و نصارا (مائده: ۵): ۵۱ و منافقان (مائده: ۵): ۵۲ اشاره کرد. قرآن سبب برائت و بیزاری را دشمنی افراد و گروه‌های یادشده با فرهنگ توحیدی، خدا، پیامبر ﷺ و مؤمنان یاد می‌کند.

### راه‌کارهای مقاومت منفی

اسلام راه‌کارهای گوناگون روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی را به شکل بسیار منطقی و حکیمانه برای عملیاتی‌شدن راهبرد واگرایی و مقاومت منفی در همه حوزه‌ها پیش‌بینی کرده است. این راه‌کارها در صورت عملیاتی‌شدن، زمینه نفوذ، اثرگذاری و سلطه بیگانگان را از بین می‌برد. عمده‌ترین این راه‌کارها که در قرآن آمده است، عبارتند از:

### راه‌کارهای فرهنگی

جامعه تأثیر زیادی در سلامت و انحراف فکری و رفتاری افراد دارد. برای همین اسلام از یک سو تلاش می‌کند با سازوکارهای مختلف، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را تبدیل به فرهنگ عمومی کرده و با اصلاح ناهنجاری‌های فکری و رفتاری، به سالم‌سازی فرهنگی و اجتماعی پردازد. از جمله می‌توان به این ساز و کارها اشاره کرد. تعلیم و تبلیغ باورها و ارزش‌های دینی (آل عمران: ۳): ۱۶۴ و جمعه (۶۲): ۲، ستایش و نکوهش (بقره: ۲): ۱۸۴، ۲۱۷-۲۱۶ و ۲۲۰؛ آل عمران (۳): ۱۱۰ و نساء (۴): ۳۸، ۴۸ و ۱۱۶، تشویق و پاداش دادن (نساء: ۴): ۴۰ و زلزله (۹۹): ۷-۸، تنبیه و مجازات (بقره: ۲): ۱۶۱-۱۶۲ و ۱۲۱،

امر به معروف و نهی از منکر (کنترل اجتماعی) (آل عمران (۳): ۱۰۴)، آیین‌ها و مناسک عبادی؛ مانند نماز (بقره (۲): ۴۳ و ۱۲۵ و مسلات (۷۷): ۴۸)، روزه (بقره (۲): ۱۸۳) و مناسک گوناگون حج (حج (۲۲): ۲۶ و ۲۹؛ بقره (۲): ۱۹۶ و صافات (۳۷): ۱۵۲ و ۱۰۶) و نمادها و شعائر دینی؛ مانند قبله (بقره (۲): ۱۴۵ و ۱۵۰ و آل عمران (۳): ۹۶)، مقام ابراهیم (بقره (۲): ۱۲۵ و ابراهیم (۱۴): ۳۷) و صفا و مروه (بقره (۲): ۱۵۸) که همه بیان‌گر باورها و ارزش‌های دینی و کارکرد فرهنگی هستند و از سوی دیگر، با ارائه راه‌کارهای فرهنگی گوناگون به مبارزه منفی با فرهنگ غیر توحیدی و مقاومت در برابر آن فرا می‌خواند تا فضای فرهنگی جامعه به عناصر فرهنگ غیر توحیدی آلوده نشود. در ذیل به سه نمونه از مصادیق مهم راه‌کارهای منفی فرهنگی اشاره می‌شود:

**الف) تحریم رسانه‌ها و فرآورده‌های فرهنگی:** از نگاه اسلام، هر کسی می‌تواند برای خود هرگونه باور و اندیشه‌ای داشته باشد و در خلوت‌خانه خود، هر رفتاری انجام دهد. وی هرچند نزد خداوند بازخواست خواهد شد، ولی کسی حق تجسس و دخالت در کار او را ندارد (حجرات (۴۹): ۱۲)، اما اگر همین فرد یا یک گروه در صدد ترویج همان باورها و ارزش‌های غیر دینی برآید، چون جنبه اجتماعی پیدا می‌کند، اسلام دستور برخورد شدید با وی را می‌دهد؛ چرا که موجب تضعیف باورها و ارزش‌های دینی و دگرگونی فرهنگ عمومی جامعه و افول آن می‌شود. برای همین، اسلام آن دسته از رسانه‌ها و محصولات فرهنگی را که به نوعی باورها، اندیشه‌ها، ارزش و هنجارهای غیر اسلامی را ترویج و یا در باورها و ارزش‌های دینی القای شبهه و تردید یا امنیت ملی و هم‌بستگی اجتماعی را تهدید می‌کنند، تحریم و ازبین‌بردن آن را واجب کرده است. این راه‌کار از دیر باز اغلب تحت عنوان «حرمت کُتُب ضالَّه» مطرح بوده و همه فقها، نگه‌داری، چاپ، تکثیر، خرید و فروش، خواندن، تدریس و درس‌گرفتن این گونه کتاب‌ها و نیز کسب درآمد از راه‌های یادشده را حرام دانسته‌اند، جز برای اهل فن و برای نقد و بررسی آن‌ها (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۱۳ و انصاری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۵۲). روشن است که انواع رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره‌ای و اینترنتی نیز که سخنان، تصاویر و

فیلم‌های ضد اخلاقی و ضد دینی و امنیتی منتشر می‌کنند نیز همین حکم را دارند. فقها برای این حکم به کتاب (لقمان (۳۱): ۶؛ حج (۲۲): ۳۰ و نور (۲۴): ۱۹)، سنت و عقل استناد کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۴۵ و نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۲، ص ۷۶).

گاهی برخی‌ها، در کارآمدی یا درستی این راه‌کار تردید می‌کنند؛ در حالی که امروزه دشمنان اسلام در راستای اهداف و منافع خویش، چنین تحریمی را در باره ایران و گروه‌های اسلامی اعمال می‌کنند. برای نمونه ۱۹ شبکه رادیو و تلویزیون ایران از روز ۲۴ مهر ۹۱ از روی ماهواره هاتبرد به دستور یوتلست، مالک هاتبرد قطع شد. این شبکه‌ها شامل پرس تی وی، شبکه خبر، العالم، کوثر، تلویزیون قرآنی، سحر ۱ و ۲ و جام جم ۱ و ۲ بودند. بنا به اعلام «ونسا اوکانر» مسؤول مطبوعاتی یوتلست، قطع رادیو و تلویزیون‌های ایران در راستای اجرای طرح تشدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه این کشور بوده و دستور کمیسیون اروپا پشت این جریان بوده است. گفته می‌شود که این تحریم تحت فشار لابی آمریکا و صهیونیست انجام شده است.<sup>۱</sup>

تحریم فیلم‌های ملی و آثار فاخر ایران در فرآیند اکران بین‌المللی و یا نادیدگی تعمداً این آثار در جشنواره‌های بین‌المللی از دیگر تحریم‌های رایج سلبی و مبارزه منفی دشمنان است. یکی از مصادیق این عمل‌کرد، تحریم اکران بین‌المللی فیلم محمد رسول الله ﷺ است که به گفته عوامل فیلم، در برخی موارد آن، پای کارشکنی لابی‌های عربستان در میان بود.<sup>۲</sup>

فعالیت‌های تهدیدزا و سلبی و منفی فناورانه، علاوه بر حوزه ماهواره‌ها، در حوزه فضای مجازی نیز وجود دارد. موارد احتمالی هم‌چون قطع اینترنت، تحریم سایت‌های ایرانی، تحریم شبکه‌های اجتماعی خاص و مانند آن‌ها از این قبیلند. موارد این‌چنینی از یک سو کارآمدی این راه‌کارها و از سوی دیگر لزوم خودکفایی و عدم وابستگی در خصوص رسانه‌ها و زیرساخت‌های فناوری هم‌چون «فرستنده ماهواره‌ای ملی» و «شبکه اینترنت ملی» را مجدداً یادآوری می‌کند.

ب) **تحریم تشابه فرهنگی:** تقلید و الگوپذیری که از ویژگی‌های روانی انسان و از زمینه‌های مهم اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری است، ریشه در انگیزه‌هایی هم‌چون

گرایش به برتری و توانمندی، برخوردارشدن از پذیرش اجتماعی و دورماندن از فشارهای اجتماعی دارد که فرد را وادار به پذیرش ارزش‌های حاکم بر محیط زندگی و یا مورد قبول الگوی مورد نظر می‌کند.

اسلام با توجه به این مهم و با تأکید بر این که تقلید و تشابه به هر فرد و گروهی، هم‌گرایی و همانندی با آنان را در پی دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۹۳)، از یک سو، الگوهای سالم فکری و رفتاری را معرفی کرده (احزاب (۳۳): ۲۱ و ممتحنه (۶۰): ۴) و از سوی دیگر، با مذموم خواندن تقلیدهای کورکورانه و عاری از تفکر و تأمل و نفی الگوهای ناشایست و تقلید از آنها (بقره (۲): ۱۷۰)، تشابه به بیگانگان و تقلید از آنها را تحریم می‌کند تا مسلمانان در اثر هم‌گرایی با آنها به فرهنگ‌پذیری و در نتیجه، استحاله فرهنگی گرفتار نشوند. این مهم به عنوان راه‌کار دیگری برای مبارزه و مقاومت منفی در برابر بیگانگان، از دیرباز و تحت عنوان «حرمت تشبه به کفار» در کتب فقهی مطرح بوده و تشبه به کفار در لباس پوشیدن، آرایش کردن، غذا خوردن، روش زندگی و هر چیزی که از ویژگی‌های اختصاصی کافران باشد، حرام دانسته شده است (برقی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۶۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۸۵-۳۸۳ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۱۰ و ج ۷۶، ص ۱۱۲).

**ج) نفی نمادهای فرهنگی:** نمادها به عنوان ابزار ارتباط اجتماعی، نقش انتقال فرهنگی را بین افراد، نسل‌ها و جوامع بشری ایفا می‌کنند. از این رو، اسلام بسیاری از باورها و ارزش‌های بنیادین خود را در قالب‌های گوناگونی از رفتارها و گفتارهای نمادین و یا ترکیبی از هر دو ریخته و با عناوین گوناگون کوشیده است آنها را جزئی از رفتارها و گفتارهای روزمره مسلمانان قرار دهد تا از این راه، وارد حوزه فرهنگ عمومی کرده و به هدایت فکری و رفتاری آنها بپردازد. برای مثال، نماز و حج سرشار از گفتارها و رفتارهای نمادین و در برگیرنده عمیق‌ترین مفاهیم توحیدی‌اند.

«توحید» بنیادی‌ترین باوری است که اسلام می‌خواهد آن را در تمام اندیشه‌ها، باورها، رفتارها، گفتارها، و عواطف فردی و اجتماعی انسان منعکس نماید و قبله‌نمای فرهنگ و جامعه کند. از این رو، از یک سو «قصد قربت» را در همه رفتارها، گفتارها و

عواطف، شرط لازم و یا شرط کمال دانسته است؛ چنان که رو به قبله و یا پشت به قبله بودن در بسیاری از حالات، واجب، حرام، مستحب و یا مکروه است؛ یعنی انسان باید هنگام عبادت، در نهان و آشکار، قیام و قعود، خواب و بیداری، متوجه خدا بوده و حتی هنگام انجام شخصی‌ترین رفتارها نیز نباید از خدا و جهت توحیدی غافل شود. از سوی دیگر، رفتارها، گفتارها و نمادهایی را که به نوعی تداعی‌گر و دربردارنده باور و یا ارزشی از فرهنگ جاهلی و غیر توحیدی‌اند، مورد نهی تحریمی و یا تنزیهی قرار داده است تا همه روزنه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه به حوزه فرهنگی مسلمانان را مسدود نماید. برای مثال، به موارد ذیل توجه کنید:

**قبله:** رو به سوی معبودبودن، جان‌مایه اصلی عبادت و بندگی است، اما چون خداوند فراتر از افق ادراک حسی بشر است و مکان مشخصی ندارد (همه جا هست و هیچ جا نیست)، اگر قرار باشد در رفتار، گفتار و اندیشه‌های آدمی تجلی کند، قطعاً باید جهت نمادین، محسوس و مشخصی داشته باشد تا همه بندگان بدان سمت روی کنند. از این رو، «کعبه» از دیرباز به عنوان برجسته‌ترین نماد توحید، قبله خداپرستان بوده است تا آنان با همه تفاوت‌ها، یگانگی و هم‌بستگی فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ نمایند. برای همین، از یک سو، نمازگزاردن به سوی کعبه واجب است (بقره ۲: ۱۵۰) و از سوی دیگر، اقامه آن در برابر مجسمه، تصویر، قبر، آتش روشن و نیز در آتشکده، با لباس، انگشتری و روی فرش‌ی که دارای تصویر موجود جاننداری باشد، نهی شده است. حکمت این حکم را که نوعی مقاومت و مبارزه منفی با باورها، آیین‌ها و نمادهای غیر توحیدی است، پرهیز از تشبّه و همانندی (هرچند ظاهری) به بت‌پرستی و عبادت مشرکانه دانسته‌اند؛ چرا که هر یک از موارد یادشده نمادی از یک باور غیر توحیدی است (نجفی، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۷ و ۳۸۰).

**اذان:** پیش از وضع حکم اذان، مسلمانان با ندای «الصلاة جماعة» وقت نماز را اعلان می‌کردند و در سال نخست هجرت، پیامبر ﷺ برای تعیین نشانه‌ای برای اعلام وقت نماز، با یارانش به مشورت نشست. برخی «بوق‌زدن» - نماد عبادی یهودیان - و برخی دیگر برافروختن آتش و بعضی نیز نواختن «ناقوس» را پیشنهاد کردند. اما چون

هر یک از آن‌ها نمادی از باورها و ادیان شرک‌آلود بودند، رسول خدا ﷺ هیچ یک را نپذیرفت و با این کار، نمادهای یادشده را طرد و نفی کرد؛ تا آن که روزی جبرئیل نازل شد و حکم اذان را ابلاغ کرد (احمد، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۸ و بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ اذانی که عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین باورها و ارزش‌های توحیدی؛ مانند بزرگی و یگانگی خدا، رسالت پیامبر اکرم، ولایت امیر المؤمنین، دعوت به نماز و بهترین عمل و رستگاری خواندن آن را در بر دارد و به حق می‌توان آن را بلندترین سرود توحید و زیباترین شعار یگانه‌پرستی دانست.

نکته قابل توجه این که در جهان امروز فناوری ارتباطات هر روز پیشرفته‌تر شده و سرعت اطلاع‌رسانی، روز به روز فراتر از دیروز افزایش می‌یابد، در چنین بستری تکیه بر مقاومت منفی و محدودکننده باید کاملاً معقول، به‌جا و به اندازه باشد؛ زیرا افزون بر هزینه‌زا بودن، می‌تواند مانع از بهره‌برداری مثبت از این عرصه گردد. برای کاهش پیامدهای ویران‌گر این حوزه، باید از روش‌های تازه‌تری مانند فیلترینگ هوشمند استفاده کرد و تولید، توان، کمیت و کیفیت رسانه‌ها و محصولات فرهنگی داخلی را به شدت افزایش داد تا مخاطب به صورت طبیعی و خودخواسته به سمت آن چه که مورد تأیید نظام فرهنگ دینی است، سوق داده شود.

### راه‌کارهای اجتماعی

**الف) حکم به پلیدبودن:** نفرت و پرهیز از پلیدی‌ها که به نوعی آسیب‌های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی را در پی دارند، از ویژگی‌های روانی انسان هستند. بر این اساس، خداوند آگاه از چند و چون اثرگذاری برخی باورها، رفتارها، اشیا و انسان‌ها در سلامت جسم، جان و جامعه انسانی، فرهنگ و نهایتاً در فرآیند تکامل الهی انسان‌ها، آن‌ها را «پاک» یا «پلید» نامیده است تا گرایش فطری انسان به پاکی‌ها و گریز از پلیدی‌ها را جهت داده، آن‌ها را از هم‌دیگر تفکیک کند. از این‌رو، قرآن با پلید (رجس - نجس) خواندن بی‌ایمانی، کفر، شرک و نفاق،<sup>۳</sup> مشرکان (توبه (۲): ۲۸) و نیز اموری؛ مانند شراب، قمار، بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی) (مائده (۵): ۹۰)، مردار، خون، گوشت

خوک و مانند آن (انعام ۶): ۱۴۵) بر آن است تا به تأثیر ویران‌گر آن‌ها در جسم، جان، جامعه و فرهنگ بشری توجه داده، با ایجاد نفرت شدید، مسلمانان را به پرهیز و کناره‌گیری از آن‌ها وادارد. برای همین، اکثریت فقهای شیعه با استناد به کتاب، سنت و اجماع، فتوا به نجاست مشرکان بت‌پرست و نیز اهل کتاب داده‌اند؛ با این تفاوت که شماری از فقهای متأخر و معاصر، دلایل نجاست ذاتی اهل کتاب را ناتمام دانسته‌اند، اما به سبب فتوای مشهور، حکم به احتیاط واجب (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۴۲) یا نجاست عَرَضی و حکمی آن‌ها داده‌اند. شماری هم آنان را پاک می‌دانند (زمانی، ۱۳۷۱، ص ۶۵). این حکم نشان می‌دهد اسلام، پرهیز و کناره‌گیری از کفار و مشرکان را فرمان می‌دهد. این مبارزه و مقاومت منفی، زمینه‌گرایش مسلمان‌ها به آنان و در نتیجه، راه نفوذ و اثرگذاری اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌های غیر توحیدی در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان را از بین می‌برد و از طرف دیگر، کافران و مشرکان به سبب قرارگرفتن در انزوا و دشواری‌های حاصل از کناره‌گیری مسلمانان، با فشار روانی و اجتماعی رو به رو شده و به مرور دست از کفر و شرک برمی‌دارند.

**ب) تحریم ازدواج:** خانواده با وجود دیگر نهادهای آموزشی، هم‌چنان نقشی مهم و اساسی در جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن فرزندان ایفا می‌کند. بسیاری از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، از راه آموزش مستقیم و غیر مستقیم خانواده به فرزندان منتقل می‌شوند. در این میان، پدر و بیش از او مادر در شکل‌گیری شخصیت پایه فرزندان نقشی کارساز دارند و بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی را از راه ارتباط مستمر (همانند ویژگی‌های جسمی و روانی از راه وراثت) به فرزندان منتقل می‌نمایند. از این رو، سلامت جسمی، روانی، فکری و فرهنگی، همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین معیارها در گزینش همسر، مورد توجه افراد در فرهنگ‌های گوناگون بوده و هست.

در بسیاری از فرهنگ‌ها و ادیان؛ همانند آیین یهود (تثنیه، ۷، ۵-۱؛ نحیما، ۱۳، ۳۰-۲۳)، مسیحیت (بدران، ۱۹۶۸م، ص ۵۲) و زرتشت (نامشخص، ۱۳۶۷، ص ۴)، ازدواج با پیروان ادیان، افراد نژادها و قبایل دیگر با چند و چونی متفاوت، ممنوع بوده است تا افزون بر حفظ هویت دینی، اصالت نژادی و خانوادگی نیز مصون بماند. اسلام هرچند در مقایسه



با ادیان و فرهنگ‌های دیگر، انعطاف بیش‌تری در این مسأله از خود نشان داده و به ویژه معیارهای نژادی، خانوادگی و امتیازات اجتماعی را لغو کرده است، اما نظر به این که هدف اصلی خود را تعلیم و تزکیه انسان‌ها و اکمال ارزش‌های والای اخلاقی می‌داند، با اذعان بر تأثیر فکری و رفتار پدر و مادر بر فرزندان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۱ و متقی هندی، بی تا، ص ۸۵۵)، ایمان را شرط صحّت ازدواج دانسته و پیروان خود را از ازدواج با مشرکان و کافران (بقره (۲): ۲۲۱ و ممتحنه (۶۰): ۱۰) نهی کرده است؛ هرچند امتیازاتی هم‌چون زیبایی و موقعیت برتر اجتماعی نیز داشته باشند. قرآن در باره حکمت این حکم سلبی می‌فرماید: «اولئک یدعون الی النّار» (بقره (۲): ۲۲۲)؛ آنان به خاطر باورها و ارزش‌های شرک‌آلودشان، دیگران را به سوی آتش جهنم فرا می‌خوانند، اما خداوند با دعوت به ایمان، موجب رستگاری، آمرزش و بهشتی‌شدن انسان‌ها می‌شود. بنابراین، خداوند مؤمنان را از اختلاط و معاشرت با مشرکان که نتیجه‌ای جز دوری از خدا در پی ندارد، بر حذر داشته و به اختلاط با مؤمنان که زمینه تقرّب الهی است، فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۵).

ازدواج با بیگانگان هم‌چنین در درازمدت موجب حضور گسترده غیر مسلمانان در جامعه اسلامی و تغییر ترکیب جمعیت، گسترش فرهنگ بیگانه و اضمحلال فرهنگ اسلامی می‌گردد. از این‌رو، ازدواج با پیروان دیگر ادیان، جز در موارد خاص، تحریم شده است.

**ج) عدم تکریم اجتماعی:** در بینش اسلامی، میزان ارزش حقیقی انسان در گرو میزان تکامل الهی اوست که تنها از راه تقوا؛ یعنی پای‌بندی به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای توحیدی میسر است. از این‌رو، قرآن کافرانِ حربیِ پیمان‌شکن را بدترین جنبندگان نامیده (انفال (۸): ۵۶-۵۵) و برای آنان ارزشی قائل نیست. به همین دلیل، فقها با استناد به کتاب و سنت، احکامی را صادر کرده‌اند که به نوعی، عدم تکریم اجتماعی کفار بوده و از راه‌های مؤثر برائت و کناره‌گیری از آنان و مقاومت منفی است؛ مانند عدم جواز غسل و نماز بر جنازه آنان، عدم وجوب کفن و دفن، عدم قبول شهادت، منع وصیت و وقف برای آن‌ها، محرومیت از ارث، زکات و عدم جواز استغفار برای مردگان

آن‌ها (توبه ۹: ۱۱۳). البته در برخی موارد، بین فقها اختلاف نظرهایی وجود دارد و بخشی از احکام با توجه به شرایط، می‌تواند تغییر کند (نجفی، بی‌تا، ج ۴، ص ۸۱-۸۰ و ج ۲۸، ص ۳۱-۳۲ و ج ۴۱، ص ۱۶ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۳، ۷۸، ۷۹ و ۳۳۹ و ج ۲، ص ۷۲ و ۴۴۲).

**ح) محدودیت‌های اجتماعی:** اسلام، پیروان ادیان آسمانی را با مشرکان بت‌پرست و بی‌دینان یکی نمی‌داند. آن‌ها می‌توانند تحت شرایط موسوم به «ذمه» و با حفظ عقیده و مذهب خویش در حوزه حکومت اسلامی زندگی کنند. این شرایط عبارتند از: پرداخت جزیه (مالیات سرانه)، پرهیز از اقداماتی که به نوعی امنیت اجتماعی مسلمانان را به خطر انداخته، یا موجب آزار و اذیت آنان می‌شود (مثل هم‌کاری با بیگانگان و جاسوسی برای آن‌ها، ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران مسلمان و دزدی اموال آن‌ها)، پرهیز از شکستن هنجارها و بی‌اعتنایی نسبت به ارزش‌های اسلامی در ملا عام، اجتناب از احداث معابدی هم‌چون کلیسا، صومعه، کنشت و آتشکده، خودداری از احداث بناها و ساختمان‌های مشرف بر خانه‌های مسلمانان، به صدا درآوردن ناقوس، ورود به مساجد مسلمانان، فروش کتب دینی خود و صلیب در بازار مسلمانان، تبلیغ باورها و ارزش‌های خود و انجام معاملاتی که در اسلام حرامند. این محدودیت‌ها از جمله برای آن هستند که به مرور زمان، فرهنگ جامعه اسلامی با اثرپذیری از باورها و ارزش‌های آنان، دگرگون نشود (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۲۸۹-۲۲۷). از سوی دیگر، زمینه انزوای اجتماعی و فرهنگی آنان فراهم شده، به مرور زمان، باورها و ارزش‌های شرک‌آلود از بین بروند.

**خ) تحریم سلطه اجتماعی:** از دیگر راه‌کارهای مهم مبارزه و مقاومت منفی برای صیانت از فرهنگ و جامعه اسلامی، تحریم هرگونه تسلط و ولایت کفار بر مؤمنان و جامعه اسلامی است که در اصطلاح فقها، به قاعده «نفی سبیل» معروف و به عنوان یکی از اصول حاکم بر روابط اجتماعی و بین‌الملل مسلمانان با بیگانگان مطرح است (فاضل لنگرانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۳۳). مراد از این قاعده این است که خداوند در تشریح احکام اسلامی، حکمی را که موجب سلطه و برتری کافر بر مسلمان شود، وضع

نکرده است. بر فرض ثبوت این قاعده، حکومت آن بر همه عمومات و اطلاقات اولیه ثابت می‌گردد (بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۲)؛ بدین معنا که نقش محدودکننده‌ای در استنباط احکام مربوط به روابط اجتماعی - سیاسی مسلمانان با بیگانگان دارد. از این رو، اگر عموم و یا اطلاق آیه و روایتی مقتضی حکمی باشد که زمینه‌ساز سلطه کافر بر مسلمان است، به وسیله این قاعده تخصیص خورده، حجیت خود را برای اثبات نظر شارع از دست می‌دهد. بر اساس این قاعده که در اثبات آن به قرآن (نساء (۴): ۱۴۱)، سنت، عقل و اجماع استناد شده است (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۳۴؛ بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۱ و فاضل لنکرانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۴۱)، اولاً: برقراری هرگونه رابطه کشورهای مسلمان با بیگانگان در صورتی که موجب استیلای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بیگانگان بر جوامع اسلامی شود، حرام است و نه تنها دولت‌ها و ملل مسلمان، حق برقراری چنین روابطی را ندارند، بلکه باید با ابزارها و راهکارهای گوناگون از جمله مقاومت منفی به مقابله با بیگانگان برخیزند (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۵).

ثانیاً: هیچ کافری نمی‌تواند در جامعه اسلامی عهده‌دار منصب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و قضایی که لازمه‌اش تسلط و برتری بر مسلمانان است، بشود. مسلمان بودن از شرایط حاکمان، والیان و قضات جامعه اسلامی است (معرفت، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰، ۲۷۹ و ۲۸۷ و نجفی، بی تا، ج ۴۰، ص ۱۲).

ثالثاً: کافر، بر کودکان بی سرپرست (لأنه لا یؤمن مخادعته عن الدین)، دیوانه (حلی، ۱۳۸۹ق، ص ۱۳۹) و خردسالان مسلمان - هرچند فرزندان خود او باشند - و نیز بر تزویج دختر مسلمان خود (نجفی، بی تا، ج ۳۸، ص ۱۶۳-۱۶۰)، تجهیز میت مسلمان - حتی پدر و فرزند او باشند - و برده مسلمان، حق ولایت و سرپرستی ندارد. هم‌چنین حق شُفعه بر مسلمان ندارد. برخی از فقها حق مالکیت وی بر قرآن و حتی کتب روایی و فقهی را نیز رد کرده‌اند (انصاری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۸ و نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۲ و ۳۳۸).

(د) مهاجرت: مهاجرت به عنوان یک رفتار اجتماعی، همواره یکی از راهکارهای

حفظ حیات و یا رسیدن به شرایط بهتر اجتماعی، بر زندگی بسیاری از حیوانات و انسان‌ها حاکم بوده است. شماری از حیوانات و برخی گروه‌های انسانی با عنوان «مهاجر» و کوچندگان شناخته می‌شوند. پیشرفت فناوری و گسترش روزافزون جوامع شهری؛ هرچند بسیاری از زمینه‌های مهاجرت را از بین برده، اما اصل این رفتار، همچنان بر زندگی بشر حاکم است و بسیاری از انسان‌ها برای دستیابی به شرایط بهتر زندگی، تجارت و یا تحصیل، از شهری به شهری و یا از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند.

اسلام که حیات و تکامل انسان را در گرو حیات معنوی او می‌داند، گستره مهاجرت را به محدوده‌ای فراتر از قلمرو زندگی مادی توسعه و به آن صبغه توحیدی داده است. از این رو، «مهاجرت فرهنگی» یکی از مفاهیم عمیق اسلامی و بهترین نوع هجرت به شمار می‌رود؛ این هجرت دو نوع است: هجرت درونی؛ یعنی ترک دیار آلودگی‌ها و خیمه‌زدن در سرزمین پاکی‌ها (متقی هندی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۶۵) و هجرت بیرونی؛ یعنی ترک دارالکفر، خارج شدن از ولایت طاغوت و سکنی‌گزیدن در دارالایمان و قلمرو ولایت خدا.

در یک جامعه طاغوتی (غیر دینی) که نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگ غیر توحیدی بر آن حاکم است، باورها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد آن جامعه نیز صبغه طاغوتی پیدا کرده، توانمندی‌های گوناگون فردی و اجتماعی در مسیر طاغوت قرار گرفته، انسان‌ها دچار انحطاط و تباهی می‌شوند. در چنین جامعه‌ای، بندگی خدا برای اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها امکان‌پذیر نیست؛ چرا که جریان تند اجتماعی، همانند سیلی بنیان‌کن، اغلب افراد را با خود می‌برد و با کوبیدن به صخره‌ها و کناره‌ها نابودش می‌کند (ابراهیم (۱۴): ۲۸-۲۹). برای همین، اگر مسلمانی نتواند در دارالکفر، هویت دینی خود را حفظ کرده و آزادانه و آشکارا به باورها و ارزش‌های اسلامی پای‌بند باشد، باید از آن‌جا کوچیده، در جامعه اسلامی و دارالایمان زندگی کند.

هجرت برای حفظ حیات دینی و معنوی و به عنوان نوعی مقاومت منفی در برابر بیگانگان چنان اهمیت دارد که مهاجرت پیامبر ۹ از مکه به مدینه مبدأ تاریخ مسلمانان

شد (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۱۲۲)؛ در حالی که حوادث مهم دیگری هم چون ولادت، بعثت، فتح مکه و رحلت آن حضرت نیز وجود داشتند.

در این زمینه، خداوند کسانی را که به سبب زندگی در سرزمین بیگانگان و عدم مساعدبودن شرایط اجتماعی برای فراگیری معارف دینی و پایبندی به آن، از دین خدا روی بر تافته‌اند، ستم‌گرانی می‌نامد که بر خود ستم روا داشته‌اند. هنگامی که پس از مرگ، فرشتگان وضع نامساعد دینی آنان را مشاهده می‌کنند، از وضعیت دینی آنان در زمان حیات، پرسش می‌کنند، آنان می‌گویند ما در جامعه‌ای زندگی می‌کردیم که حاکمیت و قدرت اجتماعی - سیاسی در دست مشرکان بود و ما اقلیت ناتوانی بیش نبودیم، آن‌ها ما را از پایبندی به باورها و ارزش‌های دینی و شعائر الهی باز می‌داشتند و هیچ کاری از ما ساخته نبود. فرشتگان با رد ادعای استضعاف آنان می‌گویند زمین خدا که بسیار گسترده بود، اگر آن جا تحت فشار، محدودیت و آزار و شکنجه بودید، چرا به سرزمین دیگری هجرت نکردید تا آزادانه به فراگیری معارف دینی پرداخته، شعائر الهی را بر پای دارید و از استضعاف فرهنگی رهایی یابید؟ (نساء: ۹۹-۹۷ و طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۰-۴۹).

افزون بر آیات یادشده، قرآن با گزارش نمونه‌هایی از مهاجرت فرهنگی افراد و گروه‌های یگانه‌پرست، بر آن است تا الگوی رفتاری مناسبی در این زمینه ارائه نماید. هجرت بنی اسرائیل از مصر به کنعان (طه: ۲۰): (۷۷)، هجرت اصحاب کهف (کهف: ۱۸): (۱۳-۱۶)، هجرت حضرت ابراهیم و یارانش از بابل به فلسطین (عنکبوت: ۲۹): ۲۶؛ صافات (۳۷): ۹۹ و طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۲۲) و هجرت مسلمانان صدر اسلام به حبشه (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳) و مدینه (انفال: ۸): ۷۴ و نحل (۱۶): ۴۱ از این قبیلند.

**ذ) پایداری تا پای جان:** پایبندی به باورهای اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی، ناگزیر یک سلسله ناملازمات، محدودیت‌ها و محرومیت‌های ظاهری به دنبال دارد. اسلام مقاومت در برابر این امور و دیگر فشارهای اجتماعی برای صیانت از فرهنگ اسلامی و عدم پذیرش فرهنگ جاهلی را از مصادیق بارز «صبر در طاعت» و

«جهاد فی سبیل الله» می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد هرگز به دلایلی هم‌چون حاکمیت فرهنگ جاهلی بر جامعه و جهان و پیروی اکثریت از آن، اندک‌بودن رهروان راه راست و وجود فشارهای گوناگون اجتماعی، دست از باورها و ارزش‌های خود برنداشته، به رنگ جماعت درنیابند؛ چرا که پس از هدایت سبیل (انسان) (۷۶): ۲ و تبیین رشد از غی (بقره) (۲): ۲۵۶، حجت بر همه تمام است و باید برای حفظ باورها و ارزش‌های توحیدی پایداری کرد.

مقاومت و جان‌بازی در راه باورها و ارزش‌های توحیدی، جلوه‌های با شکوهی در تاریخ ادیان الهی داشته است و انبیا، خود طلایه‌داران این حرکت بوده‌اند. از این رو، قرآن کریم، افزون بر انبیا، از افراد و گروه‌های مؤمنی نام می‌برد که به رغم حاکمیت فرهنگ و نظام اجتماعی - سیاسی طاغوت بر جامعه و تحمّل سختی‌های فراوان، دست از دین توحیدی برنداشته و با به‌جان‌خریدن انواع فشارهای اجتماعی، آزارها و اذیت‌ها سر بر سر آیین و ایمان خود نهادند. این کار آنان چنان بزرگ و با شکوه است که خداوند آن را به غایت ستوده و آن‌ها را برای همیشه تاریخ و به عنوان الگوی سرمد مؤمنان معرفی کرده است. قرآن با بیان این قبیل داستان‌ها، بر آن است که از یک سو، مسلمانان را که همواره با این فشارها مواجه بوده‌اند، دل‌داری دهد تا هرگز مرعوب جوامع و فرهنگ‌های طاغوتی نشده، بر صیانت از باورها و ارزش‌های توحیدی پای‌داری کنند و از سوی دیگر، سرانجام دردناک کافران را که دست به آزار مؤمنان زده‌اند، برای عبرت همه کافران تاریخ گوشزد نماید. برخی از افراد و گروه‌هایی که دست به چنین مقاومتی زدند و قرآن کریم گاه مفصل به بیان مقاومت آنان پرداخته است، عبارتند از: ساحران فرعون (اعراف) (۷): ۱۲۶-۱۱۹ و طه (۲۰): ۷۵-۷۱، مؤمن آل فرعون (غافر) (۴۰): ۴۵-۲۲؛ حویزی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۱۸ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۸، ص ۱۶۲، آسیه همسر فرعون (تحریم) (۶۶): ۱۱، اصحاب کهف (کهف) (۱۸): ۲۰، اصحاب اخدود (بروج) (۸۵): ۸-۴ و مسلمانان صدر اسلام (نحل) (۱۶): ۱۱۰؛ آل عمران (۳): ۱۶۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۴۷ و ج ۱۴، ص ۲۴۰؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۶۵ و ج ۶، ص ۲۰۳ و طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۵۵.

## راهکارهای سیاسی

در اندیشه سیاسی اسلامی یک کشور مسلمان با هر شرایطی نمی‌تواند با کشورهای غیر مسلمان ارتباط داشته باشد، بلکه باید راهبرد و راهکارهای مورد نظر دین برای حفظ مصالح و منافع مسلمانان را مورد توجه قرار دهد. از جمله:

**الف) تحریم وابستگی:** قرآن کریم، پیامبر و مسلمانان را از تکیه کردن و وابستگی به بیگانگان در امور دینی و اجتماعی نهی می‌کند: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود(۱۱): ۱۱۳). علامه طباطبایی در تفسیر «رکون»، «الذین ظلموا» و اموری که اتکا به ظالمان در آنها نهی شده است، می‌فرماید:

با توجه به آیات قبلی، مراد از ظالمان، کافران و مشرکان و هر جائز و ستمگری است که از پذیرش آیین توحیدی سر باز زده و ضمن جلوگیری از گسترش و پیاده شدن آن، مؤمنان را به سبب باورها و ارزش‌هایشان مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد. حتی جائران مسلمان‌نما را نیز شامل می‌شود و «رکون»، فقط به وابستگی برخاسته از گرایش و تمایل، اطلاق می‌گردد. پیامبر ۹ و مسلمانان نباید ظالمان را در اداره امور اجتماعی خویش دخالت دهند و یا با استفاده از امکانات آنها به حفظ، تبلیغ، اجرای دین، اخلاق و سنن اسلامی اقدام نمایند؛ چرا که این کار، استقلال دینی و اجتماعی مسلمانان را خدشه‌دار کرده و احیای حق از راه توسل به باطل به‌شمار می‌رود که سرانجام، موجب از بین رفتن حق بر اثر تلاش برای احیای آن می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۵۱).

بر همین اساس، اسلام نظام‌های سیاسی و اجتماعی را که مبتنی بر فرهنگ و اندیشه اسلامی نباشند و نیز حاکمانی را که بر مبنای معیارهای اسلامی سر کار نیامده باشند، «غاصب» و «طاغوت» می‌نامد. ائمه معصومین: نیز همواره نسبت به این نظام‌ها و حاکمان جور، موضع منفی داشته و با آنان درگیر بوده‌اند و به همین دلیل نیز از سوی آنان مسموم و مقتول شده‌اند. آن بزرگواران هرگونه هم‌کاری با آنها و مراجعه به آنان،

حتی برای گرفتن حق مسلم خویش را نهی کرده اند (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۲، ۱۲۷ و ۱۳۱)؛ چرا که این گونه وابستگی‌ها و مراجعه کردن‌ها به معنای به رسمیت شناختن آنان بوده و به مرور، مشروعیت آن‌ها را نهادینه کرده و در نتیجه، باعث انزوا و خاموشی فرهنگ و جامعه توحیدی می‌شود.

**ب) تحریم اطلاعاتی:** قرآن هرچند با خطاب عام، مسلمانان را از برقراری ارتباط ولایی با بیگانگان نهی می‌کند، اما به سبب اهمیت فراوانی که حفظ اسرار جامعه اسلامی دارد، به طور خاص بر آن تأکید کرده و مسلمانان را از این که دشمنان را محرم راز خود دانسته یا با انگیزه‌های گوناگون، اطلاعات و اسرار مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در اختیار آنان قرار دهند و یا به آن‌ها بفروشند، نهی می‌کند؛ چرا که آنان از هیچ‌گونه دشمنی با مسلمانان اجتناب نمی‌کنند و اطلاعات جامعه اسلامی می‌تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد (آل عمران (۳): ۱۱۸). این آیه در شأن عده‌ای از مسلمانان نازل شد که به سبب خویشاوندی، هم‌پیمانی، همسایگی و حق رضاعی که پیش از اسلام با یهودیان داشتند، به قدری روابط دوستانه و صمیمانه با آنان برقرار کردند که پس از اسلام، اسرار مسلمانان را به آن‌ها می‌دادند و آن‌ها در مواقع لزوم، آن را علیه مسلمانان به کار می‌گرفتند یا آن را در اختیار مشرکان مکه قرار می‌دادند. از این رو، آیه نازل شد و آنان را از این کار نهی کرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

### راهکار نظامی

قدرت برتر نظامی از ابتدایی‌ترین اشکال آن تا فناوری و تجهیزات بسیار پیشرفته نظامی، همواره - به ویژه در جهان معاصر - یکی از مؤلفه‌های قدرت و برتری‌طلبی‌های بین‌المللی بوده است. از این رو، اسلام از یک سو، مسلمانان را به داشتن قدرت برتر نظامی و بازدارنده برای دفاع از خویش و مقابله با دشمنان و ترساندن آنان فرا می‌خواند (انفال (۸): ۶۰) و از سوی دیگر، هرگونه ارتباط تجاری، از جمله فروش سلاح و فناوری نظامی به دشمنان را، در صورتی که موجب تقویت بنیه نظامی آنان و در



نتیجه، تهدید مسلمانان شود، تحریم نموده، آن را جزو «مکاسب محرّمه» می‌شمارد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۸). چنین روی‌کردی در روابط اقتصادی، به ویژه تجارت نظامی، به مرور زمان می‌تواند بیگانگان را به انزوای بین‌المللی کشانده، آن‌ها را از تلاش، تهدید و اعمال فشار بر ضد کشورهای مسلمان و در نتیجه، تسلط و تأثیرگذاری بر آن، باز دارد. فقهای مسلمان با استناد به کتاب (مانده (۵): ۲ و انفال (۸): ۶۰) و سنت (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶-۷)، دیدگاه‌های ارزشمندی در این باره ارائه کرده‌اند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۸؛ انصاری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۲ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۶).

### راه‌کارهای اقتصادی

افزون بر تحریم، هرگونه روابط تجاری تقویت‌کننده دشمن، تحریم فرآورده‌های گوشتی کافران از برجستگی بیش‌تری برخوردار و بیش‌تر دارای صبغه فرهنگی است و مشروط به تقویت دشمن هم نیست. در ذبح یا شکار حیوانات، علاوه بر شرایطی چون رو به قبله بودن و ذکر نام خدا، مسلمان بودن ذبح‌کننده یا شکارچی نیز شرط است. از این رو، اگر یکی از اصناف کافران - اعم از مشرک، بت‌پرست، مادی‌گرا، اهل کتاب و نیز مرتد و ناصبی - حیوانی را سر ببرد و یا به وسیله سگ شکاری، تیر و تفنگ شکار کند، آن حیوان، غیر مذکّی و در حکم مردار است و استفاده از گوشت، پوست و چربی آن بر مسلمان حرام می‌باشد. به همین دلیل، گوشت، پوست، چربی و مواد غذایی گوشتی که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شوند و یا در بازار غیر مسلمانان و یا به وسیله غیر مسلمان ساکن در کشور اسلامی فروخته می‌شوند، محکوم به حرمت و نجاست هستند. البته نصوص مربوط به ذبایح اهل کتاب، قدری متفاوت است، لذا برخی برای جمع بین ادله، حکم به کراهت کرده‌اند، اما مشهور فقها، ذبایح اهل کتاب را نیز غیر مذکّی دانسته‌اند (نجفی، بی‌تا، ج ۳۶، ص ۲۵ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴). این راه‌کار نیز در جهت منزوی‌ساختن بیگانگان و واگرایی از آن‌ها قابل ارزیابی است و نوعی مقاومت منفی به‌شمار می‌رود و یکی دیگر از زمینه‌های اختلاط و فرهنگ‌پذیری از بیگانگان را از بین برود.

## نتیجه‌گیری

اسلام راه سعادت انسان در دنیا و آخرت را زندگی بر پایه باورها و ارزش‌های توحیدی دانسته و برای رسیدن به این هدف، به مهندسی فرهنگی اهتمام ویژه‌ای می‌ورزد. در همین راستا، از یک سو با راهبرد تولی (هم‌گرایی مؤمنان) و راه‌کارهای مناسب آن در درون جامعه اسلامی هم‌بستگی شدیدی را بر پایه باورها و ارزش‌های دینی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، با راهبرد تبری و واگرایی از بیگانگان، راه نفوذ و سلطه فرهنگ و جوامع بیگانه را سد می‌کند. راهبرد تبری، اغلب بر مقاومت منفی در قالب کنش‌ها و واکنش‌های امتناعی استوار است و حوزه‌های مختلف ارتباط با بیگانگان را پوشش می‌دهد.

در زمینه راه‌کارهای فرهنگی مقاومت منفی، می‌توان به تحریم رسانه‌ها و فرآورده‌های فرهنگی ضد دینی و غیر اخلاقی بیگانگان، تحریم تشابه فرهنگی و تقلید و الگوپذیری از بیگانگان و نفی نمادهای فرهنگی آن‌ها اشاره کرد. حکم به نجاست بت‌پرستان، تحریم ازدواج با مشرکان، ایجاد محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت‌های تهدیدکننده، تحریم سلطه اجتماعی بیگانگان، مهاجرت و پای‌داری تا پای جان، راه‌کارهای منفی اجتماعی هستند. تحریم وابستگی به بیگانگان، تحریم اطلاعاتی و جاسوسی برای دشمنان، تحریم روابط تجاری و نظامی تقویت‌کننده دشمن از راه‌کارهای مقاومت منفی در روابط بین الملل هستند.

## یادداشت‌ها

۱. اردشیر زابلی‌زاده (مدیر شبکه بین المللی خیر)، «پارادوکس تئوریک غرب در مقوله آزادی بیان»،

۳۰ مهر ۹۱، خبرگزاری فارس، قابل‌بازیابی در آدرس اینترنتی زیر:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910730000166>

۲. پخش جهانی «محمد رسول الله ﷺ» به کجا رسید؟ ۱۷ اسفند ۹۴، خبرگزاری فارس، قابل‌بازیابی

در آدرس اینترنتی زیر: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13941215001288>

۳. «كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللّٰهُ الرُّجْسَ عَلٰى الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ» (انعام(۶): ۱۲۵)؛ این گونه خداوند

پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد. خداوند در این آیه ضلالت و بی‌ایمانی

= (شرك و كفر) را، رجس و پليدي ناميده است و كلمه «علي» اين معنا را مي‌رساند كه پليدي شرك و كفر سراپاي آنان را گرفته و موجب نفرت ديگراني كه بدان آلوده نيستند، مي‌شود. چنان‌چه، طبع انساني از غذاي آلوده به ناپاكي‌ها و نجاست گريزان است (سيدمحمدحسين طباطبائي، الميزان، ج ۷، ص ۳۴۳) و نيز در سورة توبه، آيه ۱۲۵، گمراهي را رجس ناميده و مي‌فرمايد: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ»؛ و هنگامي كه سوره‌اي نازل مي‌شود، بر ايمان مؤمنان مي‌افزايد و اما آن‌ها كه در دل‌هاي‌شان بيماري (نفاق، شك و ترديد) وجود دارد، پليدي بر پليدشان افزوده و از دنيا رفتند؛ در حالي كه كافر بودند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن كريم.
۲. آرمسترانگ، مايكل، *مدیریت استراتژیک منابع انسانی*، ترجمه دكتور محمد اعرابي، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگي، ۱۳۹۰.
۳. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، ج ۲، بيروت: دار صادر، بی‌تا.
۴. ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، بيروت: دار صادر، بی‌تا.
۵. امام خميني، سيد روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم: دارالعلم، بی‌تا.
۶. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، ج ۱، بی‌جا: دارالحکمة، ۱۴۲۱ق.
۷. انوری، حسن، *فرهنگ فشرده سخن*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
۸. بجنوردی، سيدحسن، *القواعد الفقهية*، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعيليان، بی‌تا.
۹. بخاری، محمد بن اسماعيل، *صحیح بخاری*، ج ۱، استانبول: دار الطباعة العامرة، ۱۴۰۱ق.
۱۰. بدران، ابوالعینين، *العلاقات الاجتماعية بين المسلمين و غیر المسلمين*، بيروت: دارالنهضة، ۱۹۶۸م.
۱۱. برادران شرکا، حمیدرضا، *تفکر استراتژیک یا برنامه‌ریزی استراتژیک*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.
۱۲. برقی، احمدبن محمد، *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین حسینی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۳. تیموری، ابراهیم، *تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ج ۲، ۴، ۱۱، ۱۸ و ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام*، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۹ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف، *متهی المطلب*، ج ۲، مشهد مقدس: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۷. حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. زمانی، محمدحسن، *طهارت و نجاسات اهل کتاب در فقه اسلامی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱. صادقی، فاطمه، *زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب*، لندن: بی نا، ۲۰۰۴م.
۲۲. صدوق، علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، ج ۲، ۵، ۷، ۱۱، ۱۶ و ۱۲، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ج ۲ و ۶، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، *تفسیر طبری*، ج ۴ و ۱۴، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۲۷، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. فاضل لنکرانی، محمدرضا، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۲۸. کاوه محمد، سیروس و صبور طینت، امیرحسین، *مدل مدیریت استراتژیک مینا*، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲۹. کیانی، حسین و میرقادری، سید فضل الله، «شہید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان، شاعر مقاومت فلسطین»، *مجله ادبیات پایداری*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۸.
۳۰. گاندی، موهنداس کارمچاند، *سرگذشت گاندی*، ترجمه مسعود برزین، تهران: ثالث، ۱۳۶۴.
۳۱. *گروه مؤلفان، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶.
۳۲. متقی هندی، علی، *کنز العمال*، ج ۱، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۵ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۳، ۱۰، ۳۸، ۷۶، ۷۸ و ۱۰۰، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۳۴. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، ج ۱، قم: التمهید، ۱۳۷۷.
۳۵. نامشخص، روایت پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، بی جا: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴، ۸، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۳۸، ۴۰ و ۴۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۳۷. نهاوندیان، محمد، پیکار پیروز تنباکو، بی جا: فجر، ۱۳۵۸.
۳۸. نهرو، جواهر لعل، زندگی من، ترجمه محمود نفضلی، تهران: امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۵۰.